



همایش خویش کاوی ایرانیان در دوران مدرن
۳۱ فروردین ۱۳۹۵، تهران - پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات



ویژه‌نامه همایش خویش‌کامی ایرانیان در دوران مدرن



تهران ۱۳۹۵



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

ویژه‌نامه همایش خویش‌کاوی ایرانیان در دوران مدرن

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

طراح جلد، صفحه‌آرا: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - فروردین ۱۳۹۵

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر(عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir



فهرست مطالب

سخن ناشر / ۷

مقدمه / ۹

چکیده مقالات همایش

مدخل بحث در مورد خلیقات ما ایرانیان

تقی آزاد ارمکی / ۱۵

خویش کاوی ایرانیان در تاریخ ایران

نصراله پورمحمدی املشی / ۲۱

محمود سریع القلم خلف صاحب اقتدار محمدعلی جمالزاده

آرمین امیر / ۲۳

آیا حاجی بابای جیمز موریه معرف شخصیت ملی ایرانیان است؟

محمدرضا جوادی یگانه / ۲۵

تأمل در چند شاخص در مطالعات جهانی مربوط به صفات ملتها

مقصود فراستخواه / ۲۷

نگاهی انتقادی به برخی آثار پیرامون خویش کاوی ایرانیان از منظر روان پژوهی

سید حسین مجتهدی / ۲۹

گزارش نشست‌های فرهنگ و منش ایرانیان

مقدمه / ۳۳

شخصیت و فرهنگ

مهدی ثریا / ۳۵

شخصیت ایرانی از واقعیت تا تخیل

ناصر فکوهی / ۳۷

تحلیل روان‌شناختی اجتماعی دروغ در ایران

مرتضی کتبی / ۳۹

کنکاشی در شخصیت ایرانی؛ از فردگرایی غربی تا خودمداری شرقی

حسن قاضی‌مرادی / ۴۱

تأملی در شخصیت و منش ملی ایرانی

مقصود فراستخواه / ۴۳

تحلیل و تبیین خلیات ایرانیان

علی محمد ایزدی / ۴۷

امکان‌پذیری شناسایی خلیات جامعه ایرانی

ابراهیم حاجیانی / ۴۹

باورهای اشباع‌شده

حسن نراقی / ۵۳

خودهای ایرانی و مفهوم معاصریت

مرتضی بحرانی، سیدرضا شاکری / ۵۵

جامعه‌شناسی تاریخی و مسأله شخصیت ملی

ابراهیم توفیق / ۵۷

منطق محافظه‌کاری ایرانی

تقی آزاد ارمکی / ۵۹



سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در راستای مأموریت‌ها و وظایف خود و به‌منظور بررسی فرهنگ ایرانی، از سال ۱۳۹۳ مبادرت به تأسیس میز «فرهنگ و منش ایرانیان» در پژوهشکده فرهنگ نمود. عملکرد این میز، جستجو در اسناد و واقعیت‌ها در حوزه‌های منش ملی و اخلاق اجتماعی در ایران بوده است. در راستای این وظیفه، مجموعه‌های پیش‌بینی شده است که نخستین آنها با عنوان «فرهنگ و منش‌گرد» با همکاری دانشگاه کردستان و دانشگاه آزاد اسلامی سنج در همین شهر برگزار گردید که مجموعه مقالات آن در دست چاپ می‌باشد.

همایش «خویش‌کاوای ایرانیان در دوران مدرن» دومین رویداد از مجموعه همایش‌های پیش‌بینی شده است که با همکاری گروه اخلاق انجمن جامعه‌شناسی ایران به مناسبت پنجاهمین سالگرد انتشار *خلقیات ما ایرانیان* اثر محمدعلی جمال‌زاده برگزار می‌شود و انشاءالله این مجموعه همایش‌ها با موضوعات متفاوت در طول سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ استمرار خواهد یافت.

متن پیش‌رو، چکیده مقالات همایش است و به همراه آن، گزارشی از یازده نشست تخصصی که در موضوع فرهنگ و منش ایرانیان توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در سال ۱۳۹۴ برگزار شده نیز تقدیم حضور شده است.



مجله مسایل ایران در شماره بهمن ۱۳۴۲ به صاحب‌نظران فراخوان داد که ویژگی‌های یک ایرانی آن روز را ترسیم نمایند. از میان کسانی که به این دعوت پاسخ گفتند سرشناس‌ترین‌شان محمدعلی جمال‌زاده بود. وی مقاله‌ای بلندبالا نوشت که بعدها مجله آن را شایسته چاپ به صورت کتاب دید. این گونه شد که در فروردین ۱۳۴۵ کتاب خلیقات ما ایرانیان به چاپ رسید تا امروز به مناسبت پنجاهمین سالگرد انتشارش گرد هم آییم و کیفیت تأمل ایرانیان نسبت به خویش را به بحث گذاریم.

اهمیت خلیقات ما ایرانیان از چند جنبه است. نخستین اهمیت کتاب در نویسنده آن است. جمال‌زاده در سال ۱۳۰۰ در برلین نخستین مجموعه داستان کوتاه ایرانی را با نام یکی بود یکی نبود منتشر کرد. او را پدر داستان کوتاه فارسی و همچنین آغازگر سبک واقع‌گرایی در ادبیات فارسی می‌دانند. اهمیت دیگر جمال‌زاده در این است که وی را در کنار بزرگ علوی و صادق هدایت، سه بنیانگذار اصلی ادبیات داستانی معاصر فارسی محسوب می‌کنند. دومین اهمیت کتاب این است که نخستین کتابی است که یک نویسنده ایرانی منحصراً در باب خلیقات ایرانیان به رشته تحریر درآورده است. اگرچه پیش از جمال‌زاده متفکرین ایرانی دیگری هم در باب ویژگی‌های ملی ما نظرورزی و

نظریپردازی کرده بودند، اما *خلقیات ما ایرانیان* نخستین کتابی است که فقط و فقط در این موضوع به رشتهٔ تحریر درآمده است. البته مقالهٔ بلند مهندس مهدی بازرگان، *سازگاری ایرانی*، نیز مضمونی شبیه به *خلقیات ما ایرانیان* داشت و در همان سال‌های ابتدایی دههٔ ۱۳۴۰ نگاشته شد اما هیچ‌گاه به اهمیت کتاب جمال‌زاده دست پیدا نکرد و تأثیرات بعدی آن نیز به اندازهٔ کار جمال‌زاده نبوده است.

اهمیت بعدی کتاب در تبدیل شدنش به مهم‌ترین منبع خلیقات‌نویسی ایرانیان است. اگر نویسندگان پیش از جمال‌زاده برای نقل توصیفات خلیقات ایرانیان لابد به رجوع به سفرنامه‌های خارجی بودند، جمال‌زاده با گردآوری گزینشی برخی از این توصیفات، کار را برای نویسندگان بعدی ساده‌تر ساخت تا بتوانند از اقتدار نام او به عنوان سند نقل قول‌های خود سود جویند. بدین ترتیب، متن وی به پایانهٔ مرکزی تبدیل می‌شود که توصیف، البته گزینشی، سفرنامه‌نویسان و دیپلمات‌های خارجی از ویژگی‌های ایرانیان در آن جمع و سپس در شکل‌های مختلف به مقاصد دیگر ارسال شده است. و نهایتاً، این کتاب عملکردی بسیار فراتر از توصیف خلیقات ایرانیان پیدا کرده و آن برجسته کردن انواعی از نظریهٔ ارتباط فرهنگ و شخصیت با توسعه است که معتقدند رمز عقب‌ماندگی ایرانی‌ها را بایستی بیش از همه در خلیقات‌شان جستجو کرد. این رویکرد امروز همچنان داغ است و در متون پراقبال حسن نراقی، علی محمد ایزدی، حسن قاضی مرادی، علی رضاقلی، و محمود سریع‌القلم به شکل برجسته‌ای نمایان است.

برپا ساختن همایشی به مناسبت پنجاه ساله شدن کتاب *خلقیات ما ایرانیان*، فارغ از قضاوت دربارهٔ اعتبار محتوای اثر، صرفاً بهانه‌ای است برای هم‌اندیشی دربارهٔ تأمل اندیشمندان ایرانی نسبت به خودمان. هرچند اثر جمال‌زاده در همان زمان انتشار ممنوع شد و مشکلاتی نیز برای خود او به وجود آمد، که بخشی از آن به دلیل مخالفت او با حکومت پهلوی و دفاع از مشروطه بود، و هرچند شور انقلابی دههٔ ۱۳۵۰ و امید به تغییر و توسعه، و سپس انقلاب اسلامی و دفاع مقدس توجه بر خلیقات ما ایرانیان را به محاق بردند اما پس از حدود ۳۵ سال و از ابتدای دههٔ ۱۳۸۰ نظریهٔ ارتباط فرهنگ و

شخصیت با توسعه و نیز توصیفات جمال‌زاده از ویژگی‌های منش ایرانی مورد اقبال اندیشمندان ایرانی منش ملی و مخاطبان آنها قرار گرفت. جمع حاضر در این همایش، گروهی از اندیشمندان هستند که با نگاهی ژرف، انتقادی و چندبعدی موضوع تأمل ایرانیان دربارهٔ منش ملی خویش را واکاوی می‌کنند، باشد تا از این رهگذر به بصیرت‌های تازه‌ای دست یابیم و مطالعات منش ملی را قدمی به پیش بریم.

آرمین امیر

دبیر همایش



چکیده مقالات همایش



مدخل بحث در مورد خلییات ما ایرانیان

تقی آزاد ارمکی^۱

خلییات ما / ایرانیان، تألیف سیدمحمدعلی جمالزاده در سال ۱۳۴۵ در تهران به چاپ رسیده است. از آن زمان تا کنون که بیش از نیم قرن از انتشارش می‌گذرد، این اثر خوشبختانه در ایران و حوزه مطالعات ایران‌شناسی خارج از کشور از پر بیننده‌ترین و پر خواننده‌ترین و با ارجاعات بسیاری در مقایسه با دیگر منابع فارسی در دوره جدید می‌باشد. کمتر اهل فضل و علم در ایران می‌توان شناخت که از این اثر خبری نداشته باشد و در عین حال از دعوی اصلی جمالزاده در مورد اندیشه و کتابت و فرهنگ مدرن بی‌اطلاع باشد. کتاب آنقدر خوانده شده است که نمی‌توان مدعی شد که داعیه‌های او دیده نشده است. بر خلاف بعضی از منابع، همه زوایای این کتاب مورد بازخوانی قرار گرفته است. حضور مؤلف همراه با کتاب نقش عمده‌ای در خوانده شدن کتاب داشته است. بدین دلیل، نمی‌توان مدعی شد که این کتاب مخاطبان کافی پیدا نکرده و بعضی از بخش‌ها یا ابعاد یا مفاهیم و داعیه‌های آن خوانده نشده یا بد فهمیده شده است. نمی‌توان مدعی شد که باید یکبار دیگر کتاب را به دلیل دیده نشدن و خوانده نشدن یا بد خوانده شدن و بد روایت کردن، مورد بازخوانی قرار داد یا در همایشی با حضور متخصصان فرهنگ و اندیشه و ادب معاصر مورد بازخوانی قرار داد تا نکات و اصول و

۱. استادتمام جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. ایمیل: azadarmaki@gmail.com

مفاهیم دیده نشده آن به شکل جدید طرح شوند. به طور قطع می‌توان مدعی شد که اصلاً اینگونه نیست. کتاب اتفاقاً بیش از حد مجاز و متعارف دیده شده و خواننده شده است. آنقدر خواننده شده است که از همه گروه‌های اجتماعی مخاطب یافته است. این نکته و اصلی است که در این نوشتار قصد دارم مورد توجه قرار دهم.

جایگاه این اثر در میان آثار تولید شده در نیمه اول قرن بیستم در ایران نیز قابل توجه می‌باشد. کتاب صرفاً جمع شده مجموعه‌ای از داورهای و ادعاهای خودی‌ها و بیگانگان در مورد مردم و فرهنگ و جامعه ایرانی است. این کتاب در ادامه سنت کتاب نویسی است که در دوره پهلوی اول در میان صاحبان قلم و کتاب و اندیشه شکل گرفت. رویکرد غالب در این دوره بیش از طرح مسائل بنیادین مربوط به فرهنگ و جامعه ایرانی و جهان مدرن، توجه به ارائه سیمای کلی از جامعه و فرهنگ ایرانی و غربی در غالب مجموعه‌ای از «دایره‌المعارف‌ها» بود. بدین لحاظ اکثر صاحبان قلم در این دوره به شکلی درگیر تهیه دایره‌المعارفی شده و بعضی از آنها توانسته‌اند دایره‌المعارف زبان و ادبیات یا علم و دانش و شعر یا ... به دست ناشر بسپارند. در این هیاهوی به اصطلاح فرهنگی و علمی است که جمال‌زاده هم در این راه افتاده و به دلیل در حاشیه فرهنگی قرار گرفتن، شروع به اتود اولیه در تهیه دایره‌المعارف اجتماعی (بخش اول آن نگاه دیگران به ما و نگاه خودی‌ها به خودمان) کرده است. حاصل این اتود اولیه می‌شود کتاب *خلیقات ما ایرانیان*. همین و بس. این کتاب به لحاظ تأسی جویی از رویکرد دایره‌العمارفی، در حد جمع‌آوری سطحی و سریع و محدود داورهای و قضاوت‌های رسمی دیگران و خودی‌ها (آن هم بخشی از آنها) در مورد خلیقات ایرانیان است.

به نظر می‌آید *خلیقات ما ایرانیان* در حد یک نوشتار روزنامه‌ای است و ارزش کتاب شدن هم نداشته است. نمی‌دانم منطق صاحبان مجله *مسایل ایران* چه بوده است که مقاله‌ای طولانی و روزنامه‌ای را به صورت کتاب چاپ کرده‌اند. من این متن را در حد یک کتاب نمی‌دانم. کتاب نه بر اساس سؤالی بنیادین شروع شده و نه پاسخ دقیقی به سؤال پنهانی که در نزد مؤلف بوده است، در آن دیده می‌شود.

در مقابل ادعای فوق، گفته می‌شود کتاب دغدغه فهم و درک علمی در مورد خلیقات ایرانیان را دارد. این ادعا در حد یک گزاره سیاسی و روزنامه‌ای باقی مانده است و کمترین شاهی برای اثبات آن وجود ندارد. مؤلف در این اثر از حد یک ادعای عمومی گذر نکرده و صرفاً دایعه‌های طرح شده به واسطه دیگران را تکرار کرده است. بدین لحاظ، بیش از اینکه به فهم علل و زمینه‌ها و شرایط ظهور تلقی خاص در مورد ایرانیان برسد، به بیان زوایای متعدد فرهنگ ایرانی اقدام کرده است. این زوایا را بیشتر از نگاه دیگران جستجو کرده است، نه اینکه صحت و سقم آنها را بازگو کند. او بیشتر در نقش راوی و ناقل دایعه‌ها ظاهر می‌شود تا منتقد و تجزیه و تحلیل کننده آنها. و این همان فرض و داعیه شرق‌شناسانه‌ای است که جمال‌زاده آن را با مستندات متعدّد بازگو کرده است. عنوان کتاب بیش از اینکه بیان کننده نگاه تحلیلی باشد، نشان از قضاوت فرهنگی در مورد ایرانیان است. عنوان کتاب «خلیقات ما ایرانیان» است اما به شناخت ابعاد و زمینه‌ها یا علل شکل‌گیری بدفهمی در مورد خلیقات ایرانیان نمی‌پردازد. به همین دلیل هم هست که می‌شود این کتاب را زمینه و اساس نگارش بسیاری از کتاب‌هایی دانست که با رویکرد سیاسی و ایدئولوژیک نسبت به ایران نگارش یافته است. به عبارت دیگر، ما بعد از این کتاب با ظهور جریانی اندیشه‌ای روبرو هستیم که باید آن را «جمال‌زاده‌ای‌ها» نامید. جمال‌زاده‌ای‌ها راوی قضاوت‌ها و داوری‌های غلط و درست در مورد فرهنگ و اخلاق و مردم ایران هستند. بدون اینکه طرح مسئله‌ای داشته باشند و بدون اینکه جهت تاریخی و نظری و فرهنگی خاصی را پی‌گیری کرده باشند، با سنخ‌شناسی آن هم با ارجاع و تکیه بر افراد یا گروه‌ها تا جریان‌های فکری و اندیشه‌ای، از اخلاق و خلیقات ایرانی سخن گفته‌اند. به همین دلیل است که کار جمال‌زاده اصلاً با هیچ کار تبّعی در حوزه مطالعات تاریخی و ایران‌شناسانه هم‌مطراز نیست. این اثر، کاری سطحی است. به لحاظ روشی دارای اشکالات بسیاری است. نمی‌توان این اثر را به عنوان اثری تاریخی قلمداد کرد، زیرا بدون هیچ دقتی اطلاعات و داده‌ها را نقل کرده است. هم‌چنین مؤلف در این اثر بدون توجه به منابع و اسناد به

ذکر اطلاعات اقدام کرده است. این اثر در سطح آثار مردم‌شناسی یا جامعه‌شناسی توصیفی هم نیست. زیرا از دقت مفهومی به‌دور می‌باشد و همچنین با کمترین توجه و عنایتی به شرایط اجتماعی و فرهنگی، به ذکر اقوال افراد اقدام کرده است. این اثر، متن ادبی هم نیست زیرا مشخصات متن ادبی را به لحاظ ظرافت‌های ادبی و رعایت اصول و قواعد نگارشی ندارد و در عین حال بازگو کننده بخش‌های ادبی به لحاظ تاریخی در مورد فرهنگ و اخلاق ایرانی هم نیست. در نتیجه بهتر است اثر را در حد یک گزارش ساده رسانه‌ای برای مخاطب با تکلیف؛ کسانی که با کلیشه‌هایی معین در مورد ایران زیست می‌کنند، قلمداد کرد و اجاز داد تا آنها با ارجاع به این متن به جمع‌آوری مجموعه‌ای از اتهامات و توهمات در مورد جامعه و فرهنگ ایرانی اقدام کنند.

برای فهم مطلب مورد نظر، بهتر است نگاهی به نقشی که مقاله‌های طولانی بزرگان اندیشه در دیگر جهان‌ها در تحوّل اندیشه داشته‌اند بیندازیم. در دوره رنسانس و بعد از آن می‌توان به نقش کتاب خیلی ساده و معمولی و جمع‌آوری شده‌ای تحت عنوان *نامه‌های ایرانی* موتسکیو و در دوره جدید به نقش مقاله طولانی توماس کوهن تحت عنوان *ساختار انقلاب‌های علمی* بیندازیم. هر دوی این مقاله‌ها و نوشته‌های طولانی به کتاب تبدیل شده‌اند. به دلیل پرخواننده بودن‌شان و البته مسئله‌محور بودنشان هر یک به گونه‌ای متفاوت در تحوّل آفرینی اندیشه و نظام اجتماعی و سیاسی نقش عمده‌ای داشته‌اند. جهان اجتماعی بعد از انتشار این دو مقاله بلند در قالب کتاب، بسیار متفاوت از جهان اندیشه قبل از آن می‌باشد. این اتفاق در مورد مقاله طولانی فارابی نیز صادق است. فارابی طی مسافرت از حلب، مقاله مطوّلی تحت عنوان *آراء اهل مدینه فاضله* می‌نویسد. این مقاله طولانی توانسته است بعد از او در شکل دهی به تفکر اجتماعی جهان اسلام نقش عمده‌ای بازی کند. این کتاب هم مسئله‌محور است و داعیه فهم جهان را به گونه‌ای دیگر دارد. با توجه به این سه مورد، این سؤال مطرح است که «آیا مقاله طولانی جمال‌زاده که در کتابی تحت عنوان *خلفیات ما ایرانیان* به چاپ رسیده است توانسته است نقشی نزدیک یا شبیه به مقاله‌های فارابی، موتسکیو، و

کوهن در دورهٔ خودش بازی کند؟». شواهد نشان از بداثری این مقالهٔ طولانی در شناخت و تفسیر فرهنگ و جامعه و اخلاقیات ایرانیان داشته است. اتفاقاً مدافعان و تابعان جمال‌زاده با طی مسیری که او شروع کرده بود، بیراهه‌های جدیدی در فرهنگ و جامعه و اندیشهٔ ایرانی ایجاد کردند. آنها مانند جمال‌زاده به جای فهم منطق فرهنگی ایرانیان، و درک علل و شرایط تحوّل فرهنگی و نتایج آن، به ارائهٔ مجموعه‌ای از تفاسیر ناروا در مورد ایران و ایرانیان اقدام کردند و مردم ایران را «نخبه‌کش»، «استعمار زده»، «استبداد زده»، «جاهل»، «غیر مدنی»، «شاه دوست»، و «گذشته‌گرا» قلمداد کردند. این گروه از منتقدان و شارحان اجتماعی، استبداد و استعمار و ظلم و بی‌عدالتی و جهل و تحجّر را حقّ مردم ایران دانسته و در مقابل به تمجید تجدد و مدنیت غربی اقدام کردند. آنها به جای فهم علل شرایط پیش آمده برای ایرانیان، به جای فهم علل بداخلاقی مردم ایران، به جای میل به گذشته تا آینده، به تحقیر فرهنگی مردم ایران اقدام کردند. این نتیجهٔ عمده‌ای است که از خواندن‌های مکرر بی‌دلیل از مقالهٔ طولانی جمال‌زاده که نه سؤال در آن هست و نه پاسخی به سؤال مستتری در ذهن و زندگی جمال‌زاده، برای ایرانیان باقی مانده است.



خویش کاوی ایرانیان در تاریخ ایران

نصراله پورمحمدی املشی^۱

خویش کاوی در تاریخ ایران در واقع نقد عملکرد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره از منظر کنشگرانی است که در شکل دادن شاکله نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور نقش داشتند و ارزیابی خلق و خوی نسبتاً پایداری است که در یک ملت دیده می‌شود. توجه به علت ظهور، چگونگی و چرایی آن همواره از موضوعاتی بوده است که در حوزه‌های مختلف علوم انسانی می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد. ایران با دارا بودن بیش از دو هزار سال تاریخ مکتوب و برخوردار از پشتوانه‌های میراث فکری در قالب متون مختلف دینی، سیاسی، فرهنگی دور از انتظار نخواهد بود که از جنبه‌های گوناگون در ادوار مختلف نگاهی به خویشان و عملکرد خویش داشته باشد. اگر پژوهش مستقلی تا زمان *خلقیات ما ایرانیان* صورت نگرفته است به این معنا نیست که ایرانیان هرگز به خصلت‌ها و خلق و خوی خویش توجه نداشته‌اند. بررسی تاریخی نشان می‌دهد از نظر نوع و میزان مطالب بیان شده، خویش کاوی ایرانیان بعد از اسلام را به دو دوره می‌توان تقسیم نمود؛ یکی از آغاز ورود اسلام به ایران تا جنگ‌های ایران و روس و دیگری از جنگ‌های ایران و روس تا کنون. اگر چه بعد از شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس، آثار ارزشمندی در این

۱. دانشیار تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین. ایمیل: poor_amlashi@yahoo.com

زمینه به نگارش در آمده است ولی چون یکی از اهداف این مقاله بررسی خویش‌کاوی ایرانیان قبل از جنگ‌های ایران و روس نیز هست ضروری می‌دانم تا به خویش‌کاوی اندیشمندان و اندیشه‌ورزان ایرانی بعد از اسلام بپردازم. از منظر گونه‌شناسی، چهار نوع منابع تاریخی در این مطالعه مورد توجه هستند:

- متون جغرافیایی (مسالک الممالک‌ها و البلدان‌ها)

- متون تاریخ‌نگارانه

- سیاست‌نامه و اندرزنامه‌ها

- متون ادبی (نظم و نثر)

اگر چه سیاست در تاریخ ایران نقش اول را ایفا نموده است و سیاست‌نامه‌ها باید نقش کلیدی در این زمینه داشته باشند اما به دلیل اینکه در متون جغرافیایی، گزارش‌های خویش‌کاوی با صراحت بیشتری بیان شده‌اند. لذا در ابتدا به مطالعه خویش‌کاوی ایرانیان در متون جغرافیایی توجه شده است. ضمن اینکه باید توجه داشت مصادیق و موارد این خویش‌کاوی به الگوهای ارتباط پیدا می‌کند که در جهان‌های متفاوت مورد توجه ایران و ایرانی بوده است. بدون تردید اولین الگو بعد از اسلام نوع دین و مذهب بوده که در قالب الگوی امت اسلام دیده شده است و به دنبال آن می‌توان به خصیصه‌های فردی و اجتماعی مانند راستی، درستی، پشتکار، وفا و غیره توجه داشت تا اینکه بعد از آشنایی ایرانیان با تمدن غربی به خلاقیت، توسعه و پیشرفت منتهی می‌گردد.



محمود سریع‌القلم خلف صاحب‌اقتدار محمدعلی جمال‌زاده

آرمین امیر^۱

محمود سریع‌القلم دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و استادتمام دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی است. وی از اوایل دهه ۱۳۷۰ گمانه‌زنی‌هایی درباره نظریه فرهنگ و شخصیت آغاز کرد. هرچند مجموع متون سریع‌القلم دچار پراکندگی در موضوع علت غالب عدم توسعه ایران و تقدم اقتصاد یا فرهنگ در آغاز روند توسعه حقیقی است؛ اما رویه پرننگ‌تر آثار او عامل اصلی توسعه‌نیافتگی ایران را فرهنگ ایرانی می‌داند که بارزترین شکل آن را بایستی در ویژگی‌های شخصیتی ایرانیان جستجو کرد. بر همین اساس هم می‌توان او را احیاء کننده نظریه فرهنگ و شخصیت دانست که جمال‌زاده در *خلقیات ما/ ایرانیان بدین شکل بیان کرده بود: «... اگر درست دقیق شویم و با صداقت و مصلحت‌بینی واقعی قضیه را در ترازوی سنجش بگذاریم و به قول مولوی با دیده علت‌شکاف و با نظر سبب سوراخ‌کن در اسباب و علل عقب‌ماندگی خودمان بیندیشیم قطعاً به این نتیجه معقول و منطقی خواهیم رسید که همین معایب و نقایص اخلاقی است ... که مانند تخته‌سنگ‌های زمخت و خارهای مگیلان پرآزار و پُزریان قدم به قدم در طول مسیر و جاده ما راه ترقی و سیادت و رستگاری را بر ما دشوار ساخته است و رویهم‌رفته*

۱. دکترای جامعه‌شناسی نظری و فرهنگی. پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. amir.sociologist@yahoo.com

علت‌العلل این که ما ایرانیان با آن همه گذشته‌های تاریخی نتوانسته‌ایم شانه به شانه و هم‌رکاب ملت‌های نوحاسته جلو برویم و همچنان که دارای صفات و مواهب معنوی و درونی تمدن هستیم از نعمات مادی و ظاهری آن نیز برخوردار باشیم همین معایب اخلاقی و امراض روانی ما بوده است و امروز هم اگر بخواهیم آرزوی قلبی خود را عملی بسازیم و در طریق ترقی و رفاه و عافیت قدم‌های مؤثری برداریم قبل از همه چیز باید به دفع و رفع این موانع سه‌مناک بپردازیم...». علاوه بر این شواهد، سریع‌القلم در مقدمه کتاب فرهنگ سیاسی ایرانیان ابراز تمایل می‌کند که پژوهش او ادامه کاری باشد که جمال‌زاده در *خلقیات ما ایرانیان* آغاز کرده بود.

بنابر یافته‌های سریع‌القلم، کیفیت ویژگی‌های شخصیتی ایرانیان به گونه‌ای بوده و هست که روند توسعه را کند و گاه متوقف می‌کنند. از جمله این ویژگی‌ها، که به اعتقاد وی در غالب طول تاریخ ما حضور داشته‌اند عبارتند از استفاده کم از تدبیر و عقلانیت، زندگی کردن با گزینه و مشتقات آن، عدم یادگیری از تجربیات دیگران، ناتوانی در تأسیس سیستم، فقدان اجماع، فردگرایی منفی، جلوگیری از رشد دیگری، تضعیف دیگران، خصوصیات عشیره‌ای، بی‌اعتمادی، ضعف در پیگیری اهداف جمعی، آشنا نبودن با قواعد رقابت، تمایل به آزار و تحقیر و تخریب دیگران، فرهنگ عمومی غیرعقلایی و غیره. برای غلبه بر عدم توفیق در فرایند توسعه‌یافتگی، نقطه آغاز نیز تغییر ویژگی‌های شخصیتی ما است که سریع‌القلم در نقش یک روشنفکر در قالب ویژگی‌های سی‌گانه درصدد بسط آنها است. در این که ملتی با این ویژگی‌ها دچار عدم امکان یا کندی بسیار در توسعه می‌شود کمتر می‌توان تشکیک کرد. اما آیا ایرانی‌ها واقعاً واجد ویژگی‌هایی که سریع‌القلم برمی‌شمارد هستند؟ برای پاسخ به سؤال اخیر به سراغ سه کتاب اصلی ایشان در این حوزه - فرهنگ سیاسی ایران، اقتصادگرایی ایرانی در عهد قاجار، عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران - می‌رویم تا ببینیم نویسنده بر اساس کدام روش‌ها و مستندات ویژگی‌های ذکر شده و بسیاری ویژگی‌های دیگر را به ایرانیان نسبت داده است.



آیا حاجی بابای جیمز موریه معرف شخصیت ملی ایرانیان است؟

محمدرضا جوادی یگانه^۱

از سال ۱۸۲۴ که جیمز موریه، منشی و کاردار انگلیس در ایران، کتاب *حاجی بابای اصفهانی* را نوشت، حاجی بابا به عنوان نماینده شخصیت ایرانی شناخته شد. سیاحانی که پس از آن به ایران آمدند، در همه جا نشان از حاجی بابا یافتند (برای نمونه دو بُد، فرد ریچاردز، سکویل-وست)، همچنین برخی دیگر (از جمله گوینو در داستان‌های آسیایی) تلاش کردند تا داستانی مانند حاجی بابا بنویسند. نگاهی به محتویات کتاب موریه نشان می‌دهد که این شخصیت مرکزی (و آنچه در پیرامون او رخ می‌دهد) تماماً نشان دهنده جهالت و شرارت حاجی بابا است و نگاه موریه به ایرانیان، در میان تمام سیاحان و کارگزارانی که به ایران سفر کرده‌اند، یکی از منفی‌ترین نگاه‌ها است و جز معدودی صاحب منصب روس، دیگر نمی‌توان نظیری برای آن یافت.

اما این داستان سراپا نقد (و حتی توهین) به ایران و ایرانی، از همان ابتدای انتشار نزد ایرانیان با استقبال زیاد روبرو شد، تا آنجا که برخی موریه را فقط یک مترجم دانستند که نوشته یک ایرانی را به نام خود منتشر کرده است. و مهمتر اینکه ایرانیان در دوره‌های بعد که به نقد خویش و بررسی شخصیت و خلیقات ایرانی پرداختند، این کتاب را به عنوان یک متن مهم پذیرفتند و آن را به عنوان توهین تلقی نکردند.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. myeganeh@ut.ac.ir

صاحب‌نظران ایرانی، مانند یک کتاب ادبی برجسته، انواع تحقیقات را دربارهٔ اینکه اولین مترجم کتاب کیست انجام دادند و انواع صنایع ادبی بکار رفته در آن را بررسی کردند. و جالب اینکه حاجی بابا توسط ادیبان برجسته‌ای چون جمال‌زاده و مدرس صادقی تصحیح شده است. وجود جمال‌زاده در میان مصححین از این نظر اهمیت دارد که وی نویسندهٔ یکی از مهمترین متون خودانتقادی ایرانیان است.

چرا ایرانیان، از این کتاب توهین آمیز نرنجیده‌اند و آن را به خود نگرفته‌اند؟ نظر ما این است که این کتاب، از نظر جامعهٔ ایران، نقد جامعهٔ ایران نیست بلکه نقد سیاسیون و حاکمان جامعهٔ ایران است و لذا بجای رنجش از آن، از آن استقبال هم کرده‌اند. از این رو، می‌توان حاجی بابا را نماد درخشان کارگزاران دولت ایران در دورهٔ قاجاریه (به‌ویژه میرزا ابوالحسن خان شیرازی، ملقب به ایلچی) دانست. در سطح دیگری، می‌توان این کتاب را معرف رفتارهای همهٔ ایرانیان در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی، یا گزلفاشتی دانست.

ایلچی، اولین وزیر خارجهٔ ایران، گنجینه‌ای از انواع مفاسد بوده و سی و پنج سال از انگلستان رشوه می‌گرفته است. معاشرت مداوم موریه با ایلچی در سفر از ایران به انگلستان، اقامت در انگلستان و بازگشت به ایران از طریق ینگه دنیا و هند، تصویری جاندار از سیاسیون ایرانی در موریه ایجاد کرده است. مشابه این تصویر را هم صادق هدایت در *حاجی آقا* زنده کرده است با نامی بسیار شبیه به حاجی بابا. حاجی بابای موریه و حاجی آقای هدایت، ترکیب سیاستمدار-تاجری است که در هر دو، دستش آلوده است؛ و این صنف است که مورد طعن جامعهٔ ایرانی بوده است.

در این مقاله، تلاش می‌شود تا این دو فرضیه (بویژه فرضیهٔ اول) با توجه به متن دو سفرنامهٔ جیمز موریه به ایران (۱۸۱۲ و ۱۸۱۹)، و دو داستان *حاجی بابای اصفهانی* (۱۸۲۴) و *حاجی بابا در لندن* (۱۸۲۸) نوشتهٔ موریه، و با مقایسه با دو سفرنامه‌ای که میرزا ابوالحسن خان ایلچی از سفر به انگلیس و روسیه (حیرت نامه، ۱۲۲۴ قمری؛ دلیل السفراء، ۱۲۲۸ قمری) نوشته است، بررسی شود.



تأمل در چند شاخص در مطالعات جهانی مربوط به صفات ملت‌ها

مقصود فراستخواه^۱

برنامه پژوهشی در باب خلیقات ایرانی، فارغ از ارزش نظری می‌تواند دلالت‌هایی نیز برای کنشگران و مصلحان داشته باشد؛ در سیاست اجتماعی، حکمرانی خوب، فعالیت‌های مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد، تعلیم و تربیت، مدیریت، آینده‌نگاری، پویش‌های جمعی و غیره.

یک مشکل جدی در این برنامه پژوهشی، شاخص‌ها و سنجه‌هایی است که برای بررسی نیاز داریم. در مطالعات جهانی، نمایه‌ها و نشانگرهای مختلفی برای پژوهش در فرهنگ‌ها و جوامع به کار رفته است. بحث حاضر می‌کوشد سه نمونه از این مطالعات را با تأکید بر مورد ایران مرور و تأمل بکند.

الف. تیپولوژی هافستید

گیری هافستید از جمله نظریه‌پردازانی است که فعالیت‌های خود را درباره تحلیل اطلاعات مربوط به تفاوت‌های فرهنگی در سطح بین‌المللی از اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ سده بیستم میلادی آغاز کرد. براساس اطلاعاتی که از صد هزار نفر در چهار کشور جهان گردآوری و تحلیل کرد و نیز مطالعات اضافی بعدی (در زمینه کارکنان و مدیران چینی) هافستید پنج شاخص برای تفاوت‌های فرهنگی تعریف کرد. بعدها

۱. دانشیار برنامه‌ریزی توسعه/آموزش عالی. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. m_farasatkah@yahoo.com

شاخص ششمی نیز افزوده شد. یک: شاخص فاصله قدرت (PDI)، دو: شاخص فردگرایی (IDI)، سه: شاخص فرهنگ مردانگی (MAS)، چهار: شاخص اجتناب از ناطمینانی و عدم قطعیت (UAI)، پنج: شاخص جهت‌گیری دراز مدت (LTO)، شش: شاخص سختگیری در مقابل سهل‌گیری (IVR).

ب. تیپولوژی شوارتز

شوارتز تفاوت‌های فرهنگی را در سه محور پیوستاری مقایسه کرده است. محور اول: خودگردانی فردی (عقلانی یا عاطفی) / ادغام‌گرایی فردی، محور دوم: میل به برابری / سلسله مراتب، محور سوم: همنوایی و هماهنگی / برتری و خودبیانگری. وی از این طریق هفت خصوصیت فرهنگی را به مقایسه می‌نهد.

ت. مطالعه گلوب

هاوس و همکاران رابطه خصوصیت‌های رهبران سازمانی ۶۲ کشور با فرهنگ آن کشورها را بررسی کرده‌اند با عنوان اثربخشی رفتار رهبری و سازمان در جهان. فرهنگ در این مطالعه معادل ارزش‌ها، انگیزه‌ها و باورهای مشترک و معانی و نمادها و خاطرات و هویت جمعی در یک سازمان و یا جامعه تلقی شده است. در نه مؤلفه که برخی مشابه یا نزدیک به شاخص‌های هافستید است به علاوه نشانگرهای تازه‌ای مانند جهت‌گیری معطوف به عملکرد، اظهار و جرأت، جهت‌گیری معطوف به انسانیت و جمع‌گرایی نهادی یا درون گروهی؛ جاویدان و دستمال‌چیان، از همکاران پروژه گلوب، پژوهشی میدانی و با استفاده از پیمایش در ایران انجام داده‌اند.

در کنار این مطالعات، پژوهشگران و نویسندگان ایرانی نیز مشخصه‌های ملت خویش را سنجیده و توصیف کرده‌اند. پس از شرح پژوهش‌ها و شاخص‌های یاد شده، شیوه خویش‌کاوای ایرانیان را با این مطالعات نمونه‌ای به مقایسه گذاشته و تفاوت‌ها را نمایان می‌کنیم. در واقع آنچه مطمح نظر ما است فاصله خویش‌کاوای ایرانیان با این پژوهش‌های روش‌مند و قاعده‌مند است.



نگاهی انتقادی به برخی آثار پیرامون خویش کاوی ایرانیان از منظر روان‌پژوهی

سید حسین مجتهدی^۱

پاسخ به پرسش «من کیستم؟»، در طول تاریخ بشر یکی از بنیادی‌ترین چالش‌های ذهنی و روانی انسان بوده است. در تاریخ معاصر یکی از اصلی‌ترین حوزه‌هایی که به این مسئله می‌پردازد، حوزه‌های در پیوند با روان‌پژوهی است. از آن جایی که «من» در پیوند با «دیگری» و «دیگری‌ها» لایه‌های معنایی عمیق‌تری می‌یابد، روان‌پژوهی در سطوح فردی و اجتماعی به این مسأله می‌پردازد. از این روی در غرب، پژوهشگران و نظریه‌پردازان حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، دهه‌ها است که پیرامون مفاهیمی چون منش ملی، ویژگی‌های قومی، روح ملت‌ها، اخلاق ملی و نظایر آن، یک ملت را به عنوان واحدی مستقل از جهت منش‌ها و ویژگی‌های روان‌شناختی و رفتاری مورد بررسی قرار داده، شخصیتی جمعی را برای آن ملت فراتر از تفاوت‌ها در سطوح فردی متصور می‌گردد، که منش و خلق و خوی و صفات جمعی آنان را توصیف می‌کند و بر پایه آن تحوّل‌های اجتماعی و تاریخی و سیاسی در آن مرز و بوم تحلیل می‌گردند، و مطالعه و بررسی در مورد آنها صورت می‌گیرد. نکته مهم آن است که در غرب حتی اگر این پژوهش‌ها به صورت‌بندی نظریه‌های متقابل انجامیده است، اما به هر حال بستر آن، بستر کاری علمی و روش‌مند در چهارچوب‌های نظری

۱. دکترای روانشناسی از دانشگاه هامبورگ، مدرس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. shm1675@gmail.com

بوده است. در ایران ولی مسأله به گونه‌ای دیگر بوده است. طیفی از شناخته شده ترین آثار در این زمینه توسط افراد غیر متخصص در حوزه‌های علمی یاد شده نگاشته شده است. باید در این جا به این نکته نیز اشاره کرد که یک رکن اساسی چنین پژوهش‌هایی، نگاه دیگری است. از گزنفون (قرن ۴ پیش از میلاد) که در فصل پایانی کوروش‌نامه در مورد برداشت‌اش از خلق و خوی ایرانیان سخن گفته تا دوران معاصر که بسیاری از سیاحان برداشت‌های خود را نگاشته‌اند و یا پژوهشگرانی که از بیرون به این مسأله پرداخته‌اند، منابعی در دست است که شایسته تحلیل محتوا با نگاهی غیرگزینشی است. در آثار موجود اگر هم اشاره‌ای شده است، بیشتر گزینشی است، تا پژوهشی شامل همه نگاه‌های موجود.

پرداختن به بررسی، تحلیل و نقد این آثار با توجه به تعدد و تنوع‌شان، خود می‌تواند موضوع یک رشته از پژوهش‌ها باشد اما در این گفتار کوشیده می‌شود از منظر روان‌پژوهی فردی و اجتماعی، نگاهی تبیینی - انتقادی به آثاری که توسط غیرمتخصصان در حوزه‌های روان - جامعه پژوهی انتشار یافته و مورد اقبال بوده است، افکنده شود و برخی نکته‌ها عنوان گردد از جمله:

۱. نقد روش‌های استنتاج در چنین آثاری از منظر روان‌شناسی و نیز روش‌شناسی علمی مطرح گردد.

۲. به نقش مؤلفه‌های میان‌فرهنگی و اهمیت آنها در روان‌شناسی بین فرهنگی جهت مطالعه‌های تطبیقی اشاره شود.

۳. تمایز و تعامل مسایل فرهنگ زدوده و فرهنگ بسته در چنین پژوهش‌هایی مورد بحث قرار گیرد.

۴. به کاستی‌های نظری تحلیل‌ها و مسأله‌روایی محتوایی آنها پرداخته شود.

۵. چند عاملی ندیدن مسأله و تک‌محوری بودن این نگاه‌ها اجمالاً مورد بررسی قرار گیرد.

۶. به کاستی غیاب نگاه‌های روان - زبان - تاریخ پژوهانه اشاره شود.

برخی فرضیه‌های روان‌شناختی پیرامون علل اقبال جامعه به برخی از این آثار مورد تحلیل قرار گیرد.